

□ خواسته‌های تجار و پاسخ *مشکلات و خواسته‌های تجار مشروطیت به آن

آشفته‌گی و عدم امنیت اجتماعی، موجب دو تهاجم مختلف به سرمایه و اموال تجار شد، یکی از جانب فرادستان جامعه یعنی حکام ایالات و وابستگان دربار و دیگری از سوی فرودستان یعنی راهزنان و دزدان و نیروهای ایلی که گاه به دلایل مختلف به غارت کاروانها و اموال تجاری می‌پرداختند. هر دو نیروی گریز از مرکز مهاجم، برآشفته‌گی و عدم تمرکز سیاسی می‌افزودند و تجار خواهان ایجاد یک حکومت مرکزی قوی بودند تا بتوانند از آنان در مقابل نیروهای مهاجم حمایت کنند. طمع حکام و شاهزادگان بر اموال تجار، مصادره املاک و دارایی آنها و قروضی که بازیس داده نمی‌شد، همه باعث دل‌سردی و عدم اعتماد تجار می‌شد. برخی از نویسندگان آن دوره به عدم امنیت مالی و جانی تجار اشاره کرده‌اند.^۱ نه تنها اموال و سرمایه تجار در خطر مداوم مصادره و غارت بود بلکه هیچ عنصر بازاریارنده و مانعی نیز در مقابل این تجاوزها وجود نداشت. عدم قانون و نظم در محاکمی که حافظ جان و مال مردم بود، خود از عوامل دیگر آشفته‌گی اجتماعی بود. بسیاری از روشنفکران دوران مشروطه به نبودن قانون و عدم هماهنگی احکام شرع و عرف، آشفته‌گی اوضاع عدلیه و عدم قانونی‌تایب و مشخص در دعاوی مالی اشاره دارند.^۲

علاوه بر مسائل مذکور، همانطور که پیش از این اشاره شد، گسترش روابط تجاری و نفوذ سرمایه‌های خارجی، امتیازها، دردست گرفتن گمرک، بانک و امور مالی کشور توسط بیگانگان، نارضایتی تجار ایرانی را فراهم کرده بود. سیاست دولت به‌جز در دوران محدود امیرکبیر، سیاست حمایت از اجناس داخلی نبود. دولت نه تنها در امور تجارتنی، مالی و گمرکی نقش فعال، مثبت و به سود سرمایه‌های ملی نداشت بلکه مصادره اموال تجار توسط حکام ایالات و ضبط املاک آنان خود مانعی در جهت رشد سرمایه‌های داخلی کشور بود. تجار در سالهای پیش از مشروطیت خواسته‌ها و پیشنهادهای خود را در کتابچه یا اساسنامه‌ای

انقلاب صنعتی، افزایش تولید، استفاده از نیروی بخار، کشف سرزمینهای جدید، بهره‌گیری از مواد خام مستعمرات و جنگهای مستعمراتی موجب حوادث بسیاری در دنیای سرمایه‌داری شد و در ایران نیز رقابتهای سیاسی و تجاری دو قدرت بزرگ یعنی روس و انگلیس کلیه شئون سیاسی و اقتصادی کشور را تحت‌الشعاع خویش قرار داد. نیمه دوم قرن نوزدهم در ایران به نام عصر امتیازات نامیده شد.

ایران که از دیرباز شاهراه مابین آسیا و اروپا بود و از جنبه اقتصادی و کالاهای تجاری اهمیت بسیار داشت. در دوران تحولات اقتصادی و سیاسی جهان، دستخوش نفوذ سرمایه‌های خارجی شد. حجم تجارت ایران در فاصله سالهای ۱۹۱۴-۱۸۰۰ میلادی به‌سرعت رشد کرد. هرچند نرخ رشد آن به‌هیچ‌وجه با افزایش نرخ رشد تجارت جهانی قابل مقایسه نبود.

با ورود ایران به تجارت جهانی و حضور سرمایه‌های بیگانه در کشور، تعداد تجار بزرگ ایرانی افزایش یافت. تجار ایرانی در دو زمینه به فعالیت پرداختند، یکی در زمینه ایجاد تشکلهای گروهی و افزایش نقش سیاسی و دیگری در زمینه سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف صنعتی، تجاری و خدماتی. اولین قانون تشکل اجتماعی که برای رفع مشکلات صنفی در سال ۱۸۷۲/۱۲۸۹ ایجاد شد، وزارت تجارت و فلاح بود. در سال ۱۸۸۳/۱۳۰۱ طی دستخطی از جانب شاه اجازه تشکیل مجلس وکلای تجار صادر شد تا در تهران و شهرستانها به امور تجار رسیدگی کند. پس از آن، بی‌تردید تجار در دو جریان مهم سیاسی کشور، یعنی جنبش تنباکو و نهضت مشروطیت حضور چشم‌گیر و نقش فعالی داشتند. اما در اینجا پیش از آنکه به مسائل تجار پس از برقراری مشروطیت بپردازیم باید مشکلات تجار پیش از برپایی مشروطیت مطرح گردد تا بتوان در یافت که این مسائل پس از مشروطیت تا چه حد مورد توجه قرار گرفته است.

خواسته‌های تجار و پاسخ مشروطیت به آن

بدین شرح مطرح ساختند:^۳

۱. احترام به مالکیت فردی و تأمین حقوق مالی افراد.

۲. حفظ املاک و مستغلات.

۳. به منظور جلوگیری از سوءاستفاده عمال دیوانی و پرداخت دیون تجار، این قروض بتدریج از موجب آنها کاسته شود.

۴. در اختیار گرفتن بازار پولی کشور.

۵. حفظ و حمایت دولت از منافع تجار داخلی.

۶. رواج امتعه ایرانی و ممانعت از ورود کالاها خارجی.

۷. سپردن امور تجار و حل و فصل دعاوی آنها توسط خودشان.

مواد مذکور به روشنی خواستها و مشکلات آنها را روشن می‌سازد. سعی آنها کاهش سوءاستفاده‌های دیوانیان، احترام به مالکیت، برقراری نظم و قانونی برای ایجاد امنیت سرمایه و از سوی دیگر حمایت دولت از آنها در مقابل هجوم سرمایه‌های بیگانه بود. در واقع از خواستهای آنها روشن می‌شود که دو جریان در مقابل آنان قرار داشته است:

۱. نیروی خارجی یا سرمایه‌های بیگانه.

۲. نیروی داخلی یا تعدی عمال دیوانی (حکام

ایالات).

تجار در مقابل این دو نیرو احساس خطر می‌کردند و واکنش آنها به دو شکل می‌توانست بروز کند یا به وجود آوردن تشکل سازمانی و قدرتی هماهنگ در مقابل این دو نیروی مهاجم و یا تلاش برای تغییر شرایط موجود و برقراری حاکمیتی جدید و واژگونی نهادهای سیاسی سنتی؛ نخستین راه‌حل را در گردهماییها و تشکلهایی چون وزارت تجارت و مجلس وکلای تجار تجربه کردند و دومین راه‌حل در جریان جنبش تنباکو و تلاش در برقراری مشروطیت به صورت مقابله با استبداد سیاسی خود را نشان داد.

تجار در حوادثی که به برقراری مشروطیت منجر شد فعالانه حضور داشتند. آنان بار مالی کلیه اعتراضها و تحصنها را به دوش داشتند. منابع در حوادث این دوران بیشتر از گروههای تجار، اصناف و طلاب در کنار یکدیگر نام می‌برد و بالاخره اینکه تقاضای نهایی، ایجاد مجلس یا دارالشورا از تحصن سفارتخانه که اجتماع تجار و اصناف و اصناف و طلاب بود، صادر شد و تجار در کلیه مذاکره‌ها با سفارتخانه و سران حکومت نقش عمده و اساسی داشتند. در هر حال تلاش بسیار این گروه در ایجاد «دارالشورای ملی» و برقراری قانون، امنیت و

عدالتخانه بر هیچ‌یک از پژوهشگران تاریخ معاصر پوشیده نیست. حال این سوالها مطرح می‌گردد که آیا پس از استقرار یا اعلام مشروطیت، وضعیت جدید توانست به نیاز گروههای مختلف اجتماعی از جمله تجار، پاسخ گوید؟ چه تغییراتی در کشور ایجاد گردید و تاثیر آن بر امور تجاری چگونه بود؟ آیا مشروطیت توانست امنیت، قانون و عدالت لازم را برای تسهیل در امور تجارت فراهم سازد؟ پاسخ مشروطیت به نیاز تجار چگونه بوده است؟ برای پاسخ به این سوالها نخست به ترسیم عوامل عام موثر در اوضاع تجاری سالهای پس از مشروطیت خواهیم پرداخت: مسأله امنیت عمومی، وضعیت راهها، باج و راهداری، قدرت حکومت مرکزی، نظم و قانون و امنیت سرمایه، وضعیت مبادله و امور بانکی، مشکلات دولت و مجلس و بالاخره مصوبات دو دوره نخست قانونگذاری در ارتباط با مسائل و خواستهای تجار مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

عوامل عام موثر در اوضاع تجاری پس از مشروطیت

از گزارشهای کنسولگریهای روس و انگلیس اینطور برمی‌آید که نتنها قدرت حکومت مرکزی پس از مشروطیت افزایش نیافت بلکه اغتشاش و بی‌نظمی عمومی بیش از پیش گسترش یافت. پس از اعلام مشروطیت، درگیری بین مستبدین و مشروطه‌خواهان در ولایات و شهرهای کشور تا مدتها ادامه یافت. در گزارش کنسولی انگلستان از کرمانشاه به اغتشاش و بی‌نظمی شهر و تحصن مردم در تلگرافخانه به منظور فرستادن مأموری از جانب حکومت مرکزی اشاره می‌شود. علت این نارضایتی درگیری دو جناح مخالف یکدیگر در شهر بود. «عموم کسبه و کارگران شهر حتی حاملها به تلگرافخانه رفته تحصن اختیار نمودند... طرفداران اعیان و کهنه‌پرستان در خانه یکی از ملاها اجماع کرده، آنجا را مأمن خویش قرار داده‌اند.»^۴ درگیری و تیراندازی بین آنها بوجود آمده و اوضاع آشفته



ناصر الملک

گرفته است.

این وضعیت در دیگر شهرها و مناطق، بین مخالفان و موافقان مشروطه، همچنین بین مشروطه‌خواهان و حکام طرفدار استبداد تا مدت‌ها وجود داشت.^۵ پس از به توپ بستن مجلس، مردم در سراسر کشور با ورود حکام جدید به مخالفت پرداختند. کرمان و بلوچستان شاهد تهاجم و حمله‌های بی‌وقفه عشایر بود. در مشهد بازار بسته، غارت و تجاوز علنی شده و فقدان قدرت دولت مرکزی، این مناطق را به حالت هرج و مرج کامل انداخته بود. عدم آمادگی نظامی به راهزنان اجازه داد بدون هرگونه مانعی به کار خود ادامه دهند.^۶ ایلات و عشایر نیز از هر طرف به قتل و غارت و دزدی مبادرت می‌کردند^۷ و حکومت مرکزی توان مقابله با آنان را نداشت.

کنسول انگلیس می‌نویسد: «... چنانچه مذکور داشتم نفوذ حکومت مرکزی بکلی از میان رفته و شاهد آن، نداشتن قدرت است در امر و تحکم به اطاعت حتی در مورد رؤسای که تحت اختیار آن واقعند»^۸ ارتباط حکام ولایات با دولت مرکزی روز بروز سست‌تر گردیده، از آنجا که اختیارها بدست انجمن‌های محلی افتاده باوجود کاهش ظلم حکام کمتر به مرکز اعتنا می‌شود.^۹ زنیوف وزیر مختار روسیه در ایران می‌نویسد:

«تمام ایران را هرج و مرج فرا گرفته بود. در تمام شهرهای نسبتاً مهم انجمن‌های انقلابی نه فقط هیچ قدرتی را بالاتر از خود قبول نداشتند بلکه برعکس اراده خود را به تمام ادارات و شاه و مجلس و وزراء و حکام محلی و غیره تحمیل می‌نمودند»^{۱۰}

وی معتقد بود قدرت حکومت مرکزی از پایتخت فراتر نمی‌رفته است.^{۱۱} این ضعف موجب هرج و مرج، ناامنی راهها، بی‌نظمی و بی‌قانونی امور گردیده بود. گزارش اکثر شهرها حاکی از این وضعیت بود:

«اطلاعات حاصله از شهرهای ولایات و ایالات بااستثنای معدودی از آنها مبنی است بر اینکه امنیت جانی و مالی کمتر از سابق است در صورتیکه بی‌قانونی عمومی در مملکت هنوز تخفیف نیافته. اقتدار حکومت مرکزی تقریباً

صفر می‌باشد و اگر هم اقتداری دارند فقط به توسط انجمن‌های محلی اعمال می‌شود و نفوذ دولت را در این انجمنها نیز ثابت و دائمی نمی‌توان دانست»^{۱۲}

این وضع موجب اعتراضهایی از جانب اقشار مختلف اجتماعی گردید: «چون بی‌نظمی مملکت وضع بدتری یافت انجمنها مختلطه متحداً روز ۱۹ نوامبر عریضه‌ای به مجلس معروض داشته تقاضای اقدامات سریعه در استقرار نظم نمودند»^{۱۳} تجار جنوب نیز طی تلگرافی از بی‌نظمی ولایت و بی‌لیاقتی حاکم آن خطه به وزیر داخله شکایت می‌کنند.^{۱۴} انگلستان از ناامنی راهها، سرقت و غارت کاروانهای تجاری و حمله‌های ایلات و عشایر و به خطر افتادن منافع تجاری این کشور به شدت نگران بود.^{۱۵} نامه مستر مارلینگ به سرداوارد گری حاکی از این نگرانی است:

«در این اواخر عدم امنیت راههای عمده روبه ازدیاد و شدت بوده و سارقین قشایی، اطراف اصفهان را معرض تاخت و تاز و قتل و غارت نموده‌اند... دیروز عباسقلی خان را به هیأت وزراء فرستادم که خاطر نشان نماید که اوضاع مملکتی در نظر دولت اعلیحضرتی انگلستان تحمل ناپذیر گردیده»^{۱۶}

در گزارش دیگری می‌خوانیم: «عده سرقتهایی که در چند روز گذشته در شاهراهها واقع شده است دلالت بر افزایش وحشت‌انگیزی بر عدم امنیت ایران می‌نماید»^{۱۷} بدلیل عدم امنیت راهها، شرکت‌های بیمه تجاری، نرخ خود را افزایش دادند. با آنکه تا سال ۱۹۰۶/۱۳۲۴ حکومت فارس غرامت اموال مسروقه را می‌پرداخت و در سالهای ۱۳۲۷-۱۹۰۹/۱۳۲۶-۱۹۰۸ به این مسائل رسیدگی شد.^{۱۸} مالیاتهای غیرقانونی، باج و راهداری در راهها فراوان گشته بود.^{۱۹} انگلیسها برای بهبود راههای جنوب با همراهی مجلس تجارتنی بوشهر، چندین بار در این مورد به دولت ایران تذکر دادند.^{۲۰} اولتیماتومی نیز در همین رابطه در ۱۲ شوال ۱۳۲۸/۱۶ اکتبر ۱۹۰۶ خطاب به دولت ایران صادر شد.^{۲۱} بدیهی است ناامنی راهها مستقیماً بر امور

تجاری تاثیر می‌گذارد. این امر مبادله‌های پولی و امور بانکی را نیز به خطر می‌انداخت.^{۲۲} نامعلوم بودن اوضاع سیاسی، کساد پول در بازار و عدم امنیت راهها، اطمینان لازم برای مبادله‌های تجاری را فراهم نمی‌ساخت.^{۲۳} بر همین اساس تجار با تلگرافهایی از عدم امنیت، غارت اموال، قحطی و گرانی و ناامنی راهها به دولت مرکزی شکایت می‌کنند.^{۲۴} در تلگرافی از تجار خراسان چنین می‌خوانیم:

«مدتی است که سارقین فارس راه شیراز و بندرعباس و کرمان و یزد را میدان تاخت و تاز خود قرار داده، دهات را چاپیده زنها را داغ کرده، برادران ما را کشته، اموال تجار را به سرقت می‌بردند... قوافل پی‌درپی آمده در طیس از ترس سارقین توقیف است... چگونه سزاوار است تجارت که روح مملکتی است به کلی از ناامنی طرق و شوارع مختل بماند و عبور و مرور زوار و غیره بکلی قطع شود... لهذا ناچار شده تمام حجرات خود را بسته در تلگرافخانه متحصنیم. مادامیکه قلع و قمع کلیه سارقین نشود نمی‌توانیم متحمل امورات تجارتنی خود شویم. تمام دارایی‌مان در بیابان، برواتمان معوق... مادامیکه تأمین واقعی حاصل نشود اطمینان به حمل و نقل یک‌شاهی مال‌التجاره نداریم. اقدامات قولی رفع اشرار را نکرده و نخواهد کرد»^{۲۵}

حکومت مرکزی در مقابل تلگراف تجار و اعلام تحصن آنها اعلام می‌کند که سربازانی برای جلوگیری اشرار اعزام داشته و به حکومت شهرها نیز تلگراف شده است و از تجار خواسته می‌شود به تحصن خاتمه داده و به دولت که نظم و آسایش مردم را از اهم اقدامات خود می‌داند، اطمینان کنند.^{۲۶} با وجود این دولت در این سالها با مشکلات متعددی مواجه بود که در آینده بطور مختصر اشاره خواهیم کرد اما وضعیت نامساعد و نارضایتی تجار به حدی بود که در گزارشهای کنسولی انگلیسی می‌خوانیم: «تجار عمده‌ای که برای ناامنی طرق به طهران شکایت نموده‌اند شاید مداخله قشون خارجه را برای قراسورانی طرق استقبال بنمایند»^{۲۷} زنیوف در همین مورد می‌نویسد: «دولت انگلیس... تصور می‌کرد که

برای بریتانیای کبیر و روسیه بهتر می‌بود بکلی از امور داخلی ایران کناره‌جویی نموده و بگذارند هرج و مرج آنقدر ادامه یابد تا بالاخره عنصر قوی‌تر تسلط یابد»^{۲۸}

مشکلات دولت و مجلس در نخستین سالهای مشروطیت

امنیت و راههای کشور آنچنان بود که گوشه‌ای از آن ترسیم شد اما دولت و مجلس مشروطه علاوه بر مشکلات متعدد سیاسی در داخل کابینه‌ها^{۲۹} دچار چندگانگی سیاسی بودند. بین نیروی پلیس و قوای بختیاری تضاد وجود داشت.^{۳۰} وجود چند نهاد قدرت در هیأت حاکمه، دربار، دولت، مجلس و شاه یا نایب‌السلطنه و درگیریهایی آنها با یکدیگر، تضاد مجلس به عنوان نهاد جدید با بخش سنتی و ارتجاعی پیشین یعنی دربار و سیاسیون طرفدار اشرافیت^{۳۱} و نظام استبدادی وابسته به بیگانه و میراث سالهای پیشین، که خود را بر این شرایط تحمیل می‌کرد، موجب آشفتگی امور گشته بود.

عمده‌ترین مشکل این سالها، کمی پول و وضع نامساعد مالی دولت بود. نپرداختن حقوق مستخدمین دولت و سربازها و تجمع آنها در میدان توپخانه و مطالبه حقوق گذشته، تحصن صاحب‌منصبان پلیس و ژاندارمری در خانه حاکم طهران بدلیل پرداخت نشدن پانزده ماه حقوق عقب‌مانده آنها،^{۳۲} این امر موجب گشت که سربازان خود با اشرار و غارتگران همراهی کرده و امنیت راهها بیش از پیش به خطر افتد.^{۳۳} ادعای صرافها و طلب‌کاری از دولت و تحصن آنها در خانه اتابک نیز نمونه‌ای دیگر از مشکلات بود. کساد و بی‌پولی در بازار،^{۳۴} فشار وامهای گذشته دولت و شرایط سخت آنها و مصرف شدن مهم‌ترین بخش درآمدی کشور یعنی عواید گمرک برای پرداخت اصل و فرع قروض خارجی^{۳۵} و اجبار دولت در نظرخواهی از روسیه برای گرفتن وام جدید^{۳۶} که از شرایط وامهای گذشته بود. با اینحال مجلس به دلیل افکار عمومی پس از اعلام مشروطیت با گرفتن وام جدید از روس و انگلیس مخالفت کرد.^{۳۷} آن

دو قدرت نیز مانع ارتباط مالی ایران با کشورهای دیگر شدند.^{۳۸} تقی‌زاده در خاطراتش می‌نویسد: «ناصرالملک [وزیرمالیه] می‌گفت به خدا قسم دربار و دولت شام شب هم ندارد.»^{۳۹}

کمبود مالیه دست دولت را در اصلاح اغتشاشهای اطراف کشور و وصول مالیات بسته بود، هرچند در حدود ۲۰ هزار تومان از تجار داخل قرض گرفته شد.^{۴۰} برای بهبود اوضاع از حقوق افرادی یک تومان کسر شد.^{۴۱} کلیه درآمدهای کشور از مالیات و تذکره و دیگر عواید به دلیل آشفتگی اوضاع اجتماعی کاهش یافت. حکام ایالات از جمله شاهزادگان قاجار که از ملاکین بزرگ نیز بودند از دادن مالیات دولتی سرباز زدند.^{۴۲} حواله‌ها و برانتهای دولتی در دست تجار و بازرگانان و مستخدمین دولت بی‌وصول باقی مانده بود.^{۴۳} قسط‌های مالیات موجود به داد اقساط سال پیش می‌رسید^{۴۴} و دولت مایل بود قسط وامهای گذشته حداقل تا سه سال معوق گردد.^{۴۵} با اینحال تغییری ایجاد نگردید.

از طرف صنایع‌الدوله وزیر مالیه طرحهایی به منظور بستن مالیات به اراضی شهری و افزودن گمرک قند و چای به منظور افزایش عایدی دولت طرح گردید. تلاشهایی برای گرفتن قرض داخلی و ایجاد بانک ملی^{۴۶} با سرمایه‌های داخلی و بستن مالیاتهای غیرمستقیم، تصمیم وضع مالیاتی از قرار یک قران در ماه که از تجار گرفته شود^{۴۷} و کوششهای دیگری صورت گرفت ولی بدلیل وخامت بیش از حد اوضاع کشور و مخالفت روس و انگلیس موفقیتی در این زمینه حاصل نگشت.^{۴۸}

استخدام مستشاران مالی آمریکایی برای سر و سامان دادن به مالیه کشور با مخالفت شدید روسیه مواجه و منجر به صدور اولتیماتوم گشت. نیروهای روسیه در انزلی پیاده شدند و انگلیسیها نیز اعلام کردند نیروهای خود را به بخش جنوبی کشور وارد خواهند کرد.^{۴۹} این مسأله موجب خروج مستشاران مالی از ایران گردید، هرچند این واقعه با ابراز تأسف نمایندگان مجلس، تجار و اصناف داخلی مواجه گشت.^{۵۰} کارشکنی و سنگ‌اندازی دو قدرت بزرگ و

مانعت آنان در اصلاح امور از مواردی بود که از آن سخن بسیار گفته شده است. روسیه نه تنها موضع بی‌طرفی در امور داخلی ایران پیش نگرفت بلکه بر آشفتگی و هرج و مرج داخلی افزود. این کشور از رحیم‌خان چلیپانلو که از راهزنان معروف بود و در مناطق شمال غربی به حمله و غارت اموال و افزایش ناامنی و هرج و مرج دامن می‌زد و مشکلات فراوانی برای دولت ایران ایجاد کرده بود، حمایت می‌کرد.^{۵۱} حضور نیروهای بیگانه و اشغال بخشهایی از کشور، خود عامل بی‌نظمی و اغتشاش بود.^{۵۲} قشون روسیه در خراسان آشوبها و ناآرامی‌هایی ایجاد کرد و قتل‌عامهایی نیز در اطراف آستارا موجب شد.^{۵۳}

دولت علاوه بر مشکلاتی که دولتهای بیگانه در گوشه و کنار کشور ایجاد کرده بودند با نیروهای محمدعلی‌شاه مخلوع و هواداران استبداد نیز مواجه بود. قسمتهای شمالی درگیر نیروهای شاه مخلوع و روسیان بود. سالارالدوله در کرمانشاه و همدان طغیانهایی ایجاد کرده بود، شهرهای استرآباد و کاشان نیز درگیر بود.^{۵۴} ایل بختیاری برای مقابله با شاهزادگان و متنفذان محلی مخالف دولت فراخوانده شد و این امر موجب ناامنی راههای جنوبی و اعتراض انگلستان گردید.^{۵۵} وزیر مختار انگلیس در گزارش خود به ناتوانی دولت در تسلط بر اوضاع کشور اشاره داشت:

«من هیچوقت موقعی را از دست نداده و به دولت ایران کتباً و شفاهاً اهمیت و لزوم کردن اقدامات جدی را برای خاتمه دادن به این اوضاع تأکید و خاطر نشان نموده‌ام... معذالک می‌ترسم که این اظهارات به کلی بی‌فایده باشند زیرا که دولت بخوبی از اوضاع مسبوق است ولی نه پول دارد و نه استعداد.»^{۵۶}

دولت مشروطه علاوه بر مسائل یادشده، بحران مالی، ناتوانی در پرداختن مواجب، تشنج‌های سیاسی، نامساعد بودن اوضاع تجاری و فشار و کارشکنی دو قدرت بزرگ، با معضل اجتماعی دیگری نیز مواجه بود و آن مسأله گرانی، قحطی و گرسنگی رایج در کشور بود که خود موجب ناآرامی اجتماعی و بروز

طفیانهایی در شهرها بود. حاج شیخ محمدتقی وکیل الرعایا وضعیت مردم شهر همدان را به عین الدوله وزیر داخله چنین شرح می دهد:

«آن دو عریضه هم تماماً راجع به بدبختی این بیمار مردم و کسب تکلیف بود... شاید از مسلمین روی زمین استمدادی می توانست نماید که این بیچاره ها که از بهترین نژاد دنیا محسوب می شوند از اضطراب و گرسنگی سیمای آنها با مرده های چندین ساله که در موزه های اروپا دیده می شوند مشابهتی تمامی نداشته باشند.»^{۵۷}

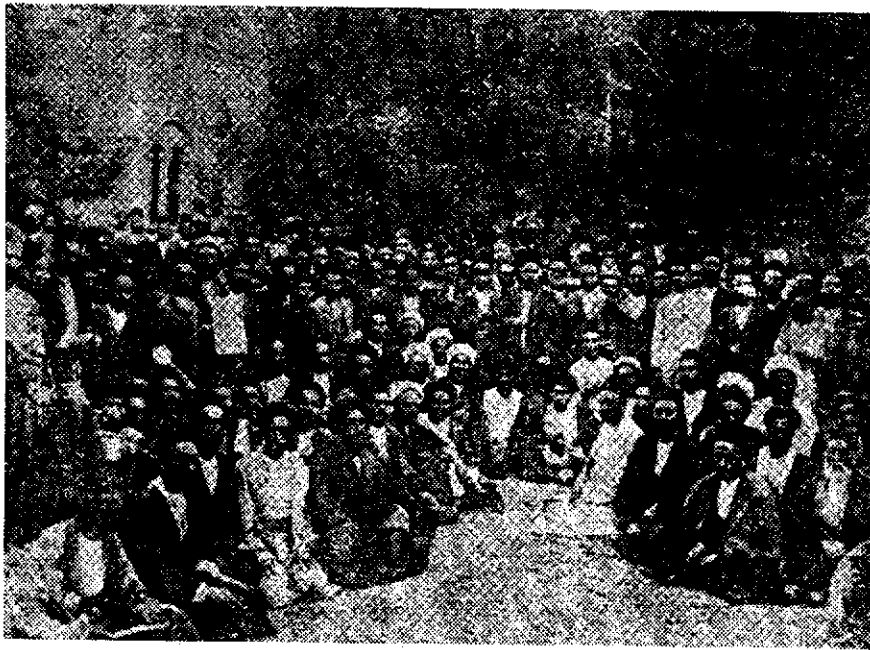
درواقع نامه دادخواهی از دولت مرکزی و نمونه ای از اوضاع شهرهای ایران در سالهای پس از اعلام مشروطیت بود. در گزارش دیگری چنین می خوانیم:

«در شهر [همدان] و اطراف، امنیت برقرار است فقط چیزی که فدوی را به زحمت انداخته مسأله نان شهر و قحطی و گرانی گندم و فزونی فقرا و قحطی زدگان است که دیروز نزدیک بود قائله در شهر به پا کنند، قریب یکهزار نفر جمع شده از گرسنگی داد و فریاد می کردند.»^{۵۸}

گزارشهای دیگر نیز حاکی از کمبود نان و گرسنگی در شهرهای دیگر بود:

«اهالی تبریز برای مطالبه و حصول گندم به تلگرافخانه... اجتماع نموده و در آن روز یک نفر از تجار متمول شهر را به احتمال اینکه گندم احتکار کرده است بقدری زدند تا هلاک گردید. بعد جسدش را در خارج تلگرافخانه آویختند و تا مدتی اضطراب شدیدی مردم را فرا گرفته بود چنانچه صاحبان غله و گندم از ترس مصمم شدند که به قنصلخانه اعلیحضرتی [سفارت انگلستان] پناهنده شوند.»^{۵۹}

با مشاهده این گزارشها این سوال مطرح می شود که علت این کمبود، گرانی و گرسنگی مردم در چیست؟ آیا این مسأله اجتماعی نیز با جناحهای مخالف مشروطه مرتبط بود یا دلایل دیگر داشت؟ چه گروهها یا اقشار اجتماعی در این جریان دست داشته و خود را عملاً در مقابل دولت، نظام جدید و مردم قرار می دادند؟ بدیهی است این موضوع نیز به نوبه خود همانند دیگر وقایع یاد شده می توانست بر آشتنگی، بی نظمی و هرج و مرج اجتماعی بیافزاید و دولت مشروطه



عده ای از متحصنین در سفارت انگلیس

گراتری به فروش می رساندند.

این گروه با خود از ملاکین و زمیندارها بوده اند و یا به عنوان دلال عمل می کردند که موجب افزایش قیمت می گردید. احتکار ملاکین و تقلب آنها در پرداخت مالیات جنسی^{۶۱} یکی از علل این کمبود بود. اقدامهای دولت برای رفع این مشکل عمومی از این قرار بود: مذاکره با خوانین و ملاکین و محترکین،^{۶۲} فروش گندهای موجود در انبارهای دولتی به خبازخانه ها^{۶۳} برای افزایش گندم و در نتیجه کاهش قیمت آن، گزارش موجودی گندم افراد به بلدیة و فروش آن به قیمت عادلانه و در صورت ممانعت صاحبان آن استفاده از نیروی نظمیة برای گرفتن موجودی گندم^{۶۴} محترکین. بدیهی است استفاده از قوه قهریه موجب درگیریهایی بین طرفهای ذینفع می گردید.^{۶۵}

افزایش قدرت حکومت مرکزی خود عاملی در حل این مشکل بوده است ولی از نامه ها و گزارشهای داده شده میزان توانایی حکومت مرکزی در کنترل امور و موفقیت عملی آن مشخص نیست. البته این نکته را نیز باید افزود که علاوه بر احتکار، موارد دیگری چون نامساعد بودن محصولهای کشاورزی، حمله

را تحت فشار قرار دهد. از نامه ها و تلگرافهای مبادله شده بین همدان و تهران تاحدودی می توان به کانالهای مختلف تأمین ارزاق عمومی و جناحهای موثر در آن پی برد:

«گندم را امروزه در شهر همدان یکصدمن... اداره مالیه به بیست و هشت تومان به خباز می فروشد. از مال حضرتوالد فرمانفرما و بعضی از خوانین هم آنچه وارد شهر نمایند، نود من گندم، ده من خاک و غیره به بیست و هشت تومان ایضاً به خباز می فروشند. بعضی از معمین که از حکم خدا و خلق هر دو بی خبرند در خفیه به دست فروشهای نان و بعضی از خانه دارها خرواری سی و دو الی سی و سه می فروشند.»^{۶۰} برطبق گزارش فوق، گندم از سه طریق تأمین می گردید:

۱- محصولهایی که از طریق مالیات جنسی در انبارهای دولتی جمع آوری شده و به قیمت دولتی به فروش می رسد.

۲- محصولهایی که توسط خوانین و ملاکین که گاه از دولتمردان بودند، وارد شهر شده و نسبت به نوع اول کمی گراتر تمام می شد.

۳- شیوه سوم از معممینی نام برده شده که محصول را به دست فروشها داده و به مبلغ

اشرار و عدم امنیت^{۶۶} و نامساعد بودن راهها، طولانی بودن مسیرها و نبودن وسیله حمل و نقل سریع می‌توانست از عوامل دیگر این کمبودها و نارسایی‌ها باشد. در تلگرافی از همدان چنین می‌خوانیم: «چاکر برای حمل گندم، شتردار به هر طرف فرستاده لیکن تا برسند اقلاده روز طول خواهد کشید»^{۶۷} از آنجا که در کشور تمرکز اقتصادی وجود نداشت و وضعیت راهها و حمل و نقل به شیوه‌ای بود که امکان داشت در ایالتی قحطی و در ایالت مجاور مازاد محصول وجود داشته باشد و این دو مکان قادر به کمک یکدیگر نباشند. از آنجا که هنگام ورود کالا به شهر اداره قوافل اجازه ورود صادر می‌کرد گاه اجناس توقیف می‌گشت یا مشکلی ایجاد می‌شد و همین اموال ارتباط تجاری بین شهرها را مختل می‌ساخت و رفت و آمد قافله‌ها به سهولت صورت نمی‌گرفت^{۶۸} و انتقال سریع ارزاق شهرها را غیرممکن و کند می‌ساخت.

پاسخ مجلس به نیاز تجار

از آنجا که مجلس بزرگترین و مهمترین دست‌آورد مشروطیت و تغییر نظام سیاسی کشور بود. بررسی مصوبات آن، در این دوره می‌تواند پاسخ‌گوی این سوال باشد که این نهاد نوپای اجتماعی به عنوان تبلور مشروطیت، چگونه به تلاش اقشار و گروههای مختلف اجتماعی که در برپایی مشروطیت تلاش کردند، پاسخ گفت و قانون‌های جدید چه میزان دربرگیرنده خواستها و نیازهای این گروهها و از جمله تجار بوده است.

مجلس اول از تاریخ ۱۷ شعبان ۱۳۲۴/۱۷ اکتبر ۱۹۰۶ آغاز و تا ۲۳ جمادی‌الثانی ۱۳۲۶/۲۳ ژوئن ۱۹۰۸ ادامه یافت و توانست قوانین و لوایحی که شامل کلیات و اصول مشروطه‌گزی بود، به تصویب برساند.^{۶۹} انتخابات دوره اول مجلس نمایندگان از بین گروههای مختلف اجتماعی و به صورت طبقاتی صورت گرفت. در ماده دوم نظامنامه در شرایط انتخاب کنندگان گفته می‌شود که ملاکین و تجار و اصناف برای شرکت در انتخابات باید شرایط خاصی داشته باشند. ملاکین و فلاحین باید

صاحب ملکی باشند که هزار تومان قیمت داشته باشد. تجار باید حجره و تجارت معین داشته و اصناف نیز باید دکانی داشته باشند که کرایه آن مطابق کرایه‌های حد وسط محلی باشد.^{۷۰} بدینسان نمایندگان از بین شاهزادگان و قاجاریه، علما و طلاب، اعیان و اشراف، تجار، زمینداران و کشاورزان و پیشه‌وران به صورت جداگانه برگزیده شدند. ۴۱ درصد نمایندگان مجلس را تجار و اصناف تشکیل دادند که پس از تغییر نظامنامه طبقاتی در مجلس دوم به ۹ درصد کل نمایندگان تبدیل شدند.^{۷۱}

با آنکه تشکیل مجلس شورا، نخستین تجربه نمایندگان بود و اکثر افراد در آغاز آگاهی کافی از شیوه پارلمانی نداشتند، دوره اول مجلس از مهمترین دوره‌های قانونگذاری محسوب می‌شود. تعداد زیاد تجار و اصناف،^{۷۲} شور و هیجان پیروزی بر مستبدین و جو ضدیگانه رایج در این سالها، مجلس اول را قادر ساخت اقدامهایی در زمینه حمایت از سرمایه‌های داخلی، مقابله با نفوذ بیگانگان و محدود کردن قدرت سیاسی دربار انجام دهد. از مسائلی که مورد توجه تجار و از تقاضاهای اولیه آنها در تحصنهای اعتراض آمیز پیش از مشروطیت بود و در این دوره بوسیله مجلس انجام پذیرفت، وادار کردن شاه به اخراج مستشاران بلژیکی به ریاست نوز بود که سرپرستی گمرکات کشور را به عهده داشتند.^{۷۳} مورد دیگر مخالفت مجلس با گرفتن وام جدیدی از کشورهای استعمارگر بود. سرآغاز این مخالفت و تجزیه و تحلیل زیانهای وام‌گیری جدید توسط معین‌التجار یکی از نمایندگان تجار در مجلس صورت گرفت.^{۷۴}

از مهمترین اقدامات مجلس اول باید تصویب قانون اساسی و متمم آن را نام برد. این مسأله می‌توانست حاکمیت قانون و استقرار نظم را رسمیت بخشد ولی اینکه از نظر عملی چه میزان موفق بود و قدرت اجرایی داشت، مسأله دیگری است که پیش از این با شرح اوضاع عمومی کشور، بطور مختصر اشاره‌هایی بدان صورت گرفت.

قانون اساسی کشور بیشتر در چگونگی به کار بردن شیوه جدید پارلمانی، استقرار نظام

مشروطیت و حوزه نفوذ و عملکرد مجلس و روابط بین شاه، دولت و مجلس سخن می‌گوید. طرح این مسأله که اعطای هرگونه امتیاز تجارتنی، صنعتی و فلاحتی و هرگونه استقراض و امتیاز راه‌آهن و راههای شوسه بدون تصویب مجلس ممکن نمی‌باشد در اصول ۲۲ تا ۲۶ قانون اساسی، حاکی از واکنش تجار ایرانی در مقابل نفوذ سرمایه‌های بیگانه و ناتوانی آنها در مقابله با این هجوم بود.^{۷۵}

اصولی که در متمم قانون اساسی می‌توانست بیشتر مورد توجه تجار و زمینداران قرار گیرد، اصول پانزده، شانزده و هفدهم آن بود:^{۷۶}

اصل پانزدهم: «هیچ ملکی را از تصرف صاحب ملک نمی‌توان بیرون کرد مگر با مجوز شرعی و آن نیز پس از تعیین و تأدیه قیمت عادلانه است.»

اصل شانزدهم: «ضبط املاک و اموال مردم به عنوان مجازات و سیاست ممنوع است مگر بحکم قانون.»

اصل هفدهم: «سلب تسلط مالکین و متصرفین از املاک و اموال متصرفه ایشان بعهده‌عنوان که باشد ممنوع است مگر به حکم قانون.» این اصول نه تنها احترام به مالکیت را مطرح می‌سازند بلکه تصرف، مصادره و ضبط املاک و اموال افراد را مگر در شرایطی که قانون تعیین می‌کند، ممنوع می‌داند. این موارد در صورت اجرا می‌توانست امنیت و اطمینان لازم برای رشد سرمایه را ایجاد کند.

در قوانین مصوبه مجلس اول در طرح کلیات قانون بلدییه، اداره اموال منقول و غیرمنقول و سرمایه‌های متعلق به شهر، همچنین مراقبت در امر آذوقه آن، مساعدت در ساختن بازارها و نمایشگاههای تجارتنی و بطور کلی مراقبت در رواج حرفه و تجارت شهر به عهده دولت نمایندگان آن در شهرها قرار گرفته است.^{۷۷} همچنین در ماده ۴۱۱ قانون تشکیل ایالات و ولایات گفته می‌شود: «چون پیشرفت تجارت منوط به صحت راهها است فرمانفرما مراقبت مخصوص نسبت بطرق و شوارع خواهد داشت.»^{۷۸} همانطور که در گذشته نیز ذکر شد وضعیت راهها از مسائل مهم تجاری ایران بود

که در اینجا نیز بطور مختصر بدان اشاره شده است.

بجز موارد مذکور که مورد علاقه تجار و موثر در امور تجاری محسوب می‌شد، از خواستهای دیگر کوشندگان مشروطیت و از جمله تجار، اصلاح محاکمات و وضعیت قضایی کشور بود. از اصل هفتاد و یکم تا هشتاد نهم متمم قانون اساسی به مسائل عدلیه و محاکمات پرداخته شده است. برطبق این اصول، وضعیت، حوزه عمل قوانین و تعداد مراکز محاکم عدلیه مشخص می‌گردد و محکمه‌ها با قوانین مشخص و یکسان و همگانی متمرکز و کانالیزه می‌شوند. البته در بیشتر اصول مذکور از محاکم عرف سخن گفته شده است. تنها در اصل هفتاد و یکم می‌خوانیم: «دیوان عدالت عظمی و محاکم عدلیه، مرجع رسمی تظلمات عمومی هستند و قضاوت در امور شرعیه با عدول مجتهدین جامع‌الشرایط است.»^{۸۹} و در بند دوم از اصل بیست و هفتم از تمیز حقوق و این قوه مخصوص است به محاکم شرعیه در شرعیات و به محاکم عدلیه در عرفیات»^{۹۰} تنها در این اصل محاکم شرعیه و حوزه فعالیت آنها مطرح می‌گردد درحالیکه در کلیه اصول مربوط به عدلیه تنها محاکم رسمی و قانونی که کلیه قوانین مذکور به امور آنان می‌پردازد، محاکم عرف بودند. هرچند صریحاً بدان اشاره‌ای نمی‌شود ولی حوزه محاکم شرعیه که تا پیش از این در کلیه امور دخالت داشتند تنها به قضاوت در امور شرعیه محدود می‌گردد و تحت پوشش قوه قضاییه قرار می‌گیرند و استقلال و قدرت پیشین خود را عملاً از دست می‌دهند. در گزارشهای کنسولی انگلیسی در این مورد می‌خوانیم:

«قانون اساسی اقتدار پادشاهی را کاملاً تنزل می‌دهد ولی مهم‌ترین قسمت آن بیشتر راجع به تعیین اختیارات و اقتدار محاکم عدلیه است. اصل هفتاد و یکم و سایر اصول متوالیه آن، اگرچه مبهم و غیر مصرح نوشته شده، هرگاه بموقع اجرا در آید لطمه سختی بر قوای قضاییه مالا خواهد زد.»^{۹۱}

آنچه آشکار است این بود که اصول مزبور در صورت اجرا می‌توانست از هرج و مرج قضایی،

عدم قانون مشخص و رواج احکام ناسخ و منسوخ که در این دوران فراوان گردیده بود، جلوگیری کند و به امور قضایی نظم و تمرکز بیشتری دهد. هرچند بدین ترتیب قدرت محاکم عرف افزوده گشته و محاکم شرع نیز کانالیزه و تنها در موارد خاص امور شرعی بکار گرفته می‌شد.

از دیگر اقدامهای مهم مجلس اول می‌توان از اصلاح بودجه و تعدیل مخارج شاه و دربار، لغو رسم تیولداری که سبب بی‌نظمی در امور مالی می‌گشت و نسخ قاعده تسعیر، تساوی حقوق پیروان مذاهب مختلف و برکناری برخی شاهزادگان و متنفذین محلی نام برد.^{۹۲} مجلس جوان ایران پیش از پایان دو سال دوره قانونی خود با هجوم نیروهای هوادار استبداد محمدعلی‌شاهی متحلل گشت. با کمک‌خواهی شهرنشینان از نیروی نظامی ملاکین و عشایر، حاکمیت سیاسی شاه از بین رفت و دوره دوم مجلس افتتاح گردید. این کمک‌خواهی بر روی بافت اعضای تشکیل دهنده مجلس، تاثیر بسزایی داشت و موجب گشت نمایندگان تجار و اصناف نفوذ سیاسی و اقتصادی خود را از دست داده و تعداد آنها را در مجلس دوم به ۹ درصد کاهش یابد و تعداد ملاکین از ۲۶ درصد دوره اول به ۳۰

درصد در دوره دوم افزایش یابد^{۹۳} که بدیهی بود بر روی مصوبات این دوره نیز تاثیر می‌گذاشت. مجلس دوم با مشکلات فراوانی مواجه بود که پیش از این بدان اشاره شد. قیام محمدعلی‌شاه و برادرانش در گوشه و کنار کشور، مسأله اولتیماتوم روسیه و ورود نیروهای این کشور به خاک ایران و مسائل متعدد مالی که دولت را تحت فشار قرار داده بود، شرایط دشواری را بر مجلس تحمیل می‌کرد. با نگاهی به مصوبات مجلس دوم، آنچه بیش از پیش به چشم می‌خورد استخدام گروههای زیادی از مستشاران اروپایی و آمریکایی در زمینه اصلاح مالیه و گمرک بود.^{۹۴} جو ضداستعماری و مخالفت با نفوذ سیاسی - اقتصادی بیگانگان که در مجلس اول شدیداً به چشم می‌خورد در این دوره کاهش یافته است. این مسأله می‌توانست هم مربوط به تغییر بافت طبقاتی مجلس دوم و هم بدلیل آشفتگی اوضاع اجتماعی، فشار مشکلات و وضعیت وخیم مالی دولت باشد. کمابیش بیشتر مصوبات این دوره در امور مالی، مالیاتی و حقوق گمرکی برخی کالاها بود.

نکته قابل توجه دیگر، قانون استقرار دو کرور و نیم لیره از بانک شاهنشاهی بود. در حالیکه در وقایع دوره اول مجلس مخالفت تجار



اجتماع متحصنین در سفارت انگلیس

عمده با استقرار خارجی و طرح ایجاد بانک ملی به چشم می‌خورد. در این دوره، مجلس رسماً با گرفتن وام موافقت می‌کند منتها تفاوت آن با وامهای گذشته در این بود که مصارف آن تحت نظر مجلس صورت می‌گرفت و به مخارج شاه و درباریان اختصاص نداشت. ضمانت آن مانند گذشته عواید گمرک جنوب بود و به مصرف حقوق عقب‌افتاده قشون، خرید اسلحه و بخشی به مصرف حقوق عقب‌افتاده مأمورین دولت، کارکنان پلیس و انتظامات و قسمتی به اداره پلیس فارس اختصاص یافت.^{۸۵}

مصارف این وام چند مورد را مشخص می‌کند. بیشتر این مبلغ برای مصرف در امور نظامی، امنیتی و حقوق کارمندان در نظر گرفته شد که حاکی از نگرانی از اوضاع آشفته کشور و حمله‌های متعدد نیروهای مخالف بود که مخارج قشون و پلیس را در اولویت قرار می‌داد. اختصاص بخشی از این وام به اداره پلیس فارس به منظور تأمین امنیت راههای جنوب کشور بود که پیش از این اعتراض انگلستان را برانگیخته بود و منافع تجاری این کشور را به خطر انداخته بود.

در این دوره از قوانین و لوایح تجاری، کمتر اثری به چشم می‌خورد، تنها به قانون قبول و نکول برودات تجاری بر می‌خوریم که هدف آن ایجاد نظم در بکارگیری براتهای تجاری بود که بیشتر جنبه مالی داشت. از دیگر قوانین مصوبه این دوره می‌توان از مالیات تریاک، قرارداد گمرکی پوست بره^{۸۶} و قانون مالیاتی روده و نمک نام برد که نوع کالاهای مزبور از اقلام مهم تجاری محسوب نمی‌شوند. بیشتر این قوانین، تلاش برای افزایش عواید دولت بود، چیزی که در اینجا باید اشاره کرد مواردی از قرار دادن امکانات برای ایجاد کارخانه‌های چرم‌سازی و صابون‌سازی با سرمایه‌های داخلی بود.^{۸۷}

فرجام سخن

مسئله تصویب قانون اساسی و متمم آن، گامی در جهت برپایی قانون و نظم در کشور بود. حضور مجلس، خود تضعیف قدرت شاه و

درباریان بود و ایجاد انجمنهای ایالتی و ولایتی در شهرها تا حدی قدرت حکام ایالات را کاهش داد. ولی نوبیایی مجلس و مشکلات دولت مشروطه به حدی بود که تضعیف قدرت حکام ایالات بر ضعف دولت مرکزی افزود و کنترل امور از دست دولت مرکزی خارج شد و امنیت اجتماعی که از خواسته‌های اولیه تجار بود، بدینسان حاصل نگردید.

در سالهای نخست پس از مشروطیت، جو ضدیگانه شدیدی حاکمیت یافت. مستشاران بلژیکی از ریاست گمرک اخراج شدند و این امر مایه خوشنودی تجار را فراهم کرد. معین‌التجار یکی از نمایندگان تجار در مجلس با گرفتن وام جدید از کشورهای بیگانه به مخالفت پرداخت و زیانهای آن را برشمرد. با جلوگیری مجلس از اعطای هرگونه امتیاز تجاری، صنعتی، کشاورزی و خدماتی به بیگانگان بدون تصویب مجلس، تاحدی هجوم سرمایه‌های خارجی به کشور محدود می‌گشت که یکی از خواسته‌های تجار در حمایت از سرمایه‌های داخلی بود.

متمم قانون اساسی، احترام به مالکیت و ممنوعیت مصادره اموال و دارایی افراد را مطرح ساخت که از نظر قوانین می‌توانست امنیت و اطمینان لازم برای رشد سرمایه را تأمین کند. مجلس اول دولت را در رواج حرفه و تجارت کشور مسئول شناخت و مسأله مراقبت از راهها برای پیشرفت تجارت را مطرح ساخت. تجار از احکام ناسخ و منسوخ دادگاهها بی‌نظمی امور قضایی در رنج بودند و خواهان ایجاد دادگاه مستقل بودند. نهادی شدن و تقویت دادگاههای عرف در متمم قانون اساسی می‌توانست از بی‌نظمی امور قضایی جلوگیری کند و نظم بیشتر بدان ببخشد.

مجلس دوم با مشکلات متعددی مواجه بود و در سیستم انتخابات نیز تغییراتی ایجاد شده بود. تعداد تجار و اصناف در این مجلس بسیار کاهش یافته بود و نیروهای ایلی و زمینداران بزرگ که به کمک شهرنشینان آمده بودند و در فتح تهران فعالانه شرکت داشتند، سهم خود را در سیاست کشور طلب می‌کردند. برغم جو ضدیگانه و مخالفت با استقرار خارجی در مجلس اول، در

مجلس دوم اجازه استقرار دو کرور و نیم لیر از بانک شاهنشاهی صادر شد. این وام در جهت سازندگی بکار گرفته نشد بلکه در امور نظامی و حقوق عقب‌مانده کارمندان دولت مصرف شد هرچند این امتیاز را داشت که به مصرف عیش و نوش دربار نرسید اما در زمینه مساعدی نیز بکار گرفته نشد. مجلس دوم بیشتر در زمینه‌های مالی و مالیاتی فعال بود و ادامه کارهای مجلس اول را دنبال نکرد. در واقع می‌توان گفت که تجار عملاً آنچنان که از مشروطیت متوقع بودند به خواسته‌های خود نرسیدند و در زمینه‌های امنیت اجتماعی و راهها با وضعی وخیم‌تر از گذشته مواجه شدند و برغم تلاش مجلس اول در برآوردن این نیازها، این روند در سالهای بعد دنبال شد بلکه اوضاع سیاسی جهان و وضعیت اجتماعی ایران شرایط نامساعدتری را موجب گشت. از ایترو تجار در سالهای پایانی عصر قاجار حضور مجددی در اوضاع سیاسی کشور یافتند تا تمرکز سیاسی مورد نظر خود را که امنیت لازم را برای امور تجاری فراهم می‌ساخت، ایجاد کنند و این مبحث در آینده طی مقاله دیگری بدان پرداخته خواهد شد.

حاجی شیخ محمدتقی وکیل‌الرعا
از همدان الی طهران

چهارشنبه پانزدهم ربیع‌الاول ۱۳۳۱

حضور مبارک حضرت مستطاب اشرف‌الملک شاهزاده عین‌الدوله وزیر داخله دامه شوکه‌العالی «آن دو عریضه هم تماماً راجع به بدبختی این بیمار مردم و کسب تکلیف بود... در صورتیکه جواب هم می‌دادند و این بنده مایوس می‌شد. شاید از مسلمین روی زمین استمدادی می‌توانست نماید که این بیچاره‌ها که از بهترین نژاد دنیا محسوب می‌شوند از اضطراب و گرسنگی سیمای آنها با مرده‌های چندین ساله که در موزه‌های اروپا دیده می‌شوند مشابهتی تمامی نداشته باشند». در این زمینه این آخرین عریضه است که به دربار دولت این مخلوق این بنده مکلف است تقدیم نماید. در صورتیکه از مواخذه خالق این مخلوق ایمن بخواهید ماند. این را هم بی‌جواب بگذارید.

لازم است بعضی برساند از روی کمال راستی درستی بقدر مصرف از امروز تا وقتی که دست آمدن گندم و جو جدید بقدر تمامی احتیاج این مخلوق خدا که در حوزه حکومتی میدان زندگی می‌نمایند گندم و جو موجود است. بنابراین امروز این عرض بنده تصدیق شود رزومندم که انشاءالله تعالی به حول قوه الهی مد از بدست آمدن زراعت جدید بتوانم ثابت مایم. که یک من گندم و جو از آذربایجان و خراسان و فارس و کرمان و گیلانات به همدان کسی برای نجات این مردم نیاورده و تمام گندم و جوی که به این قیمت‌های فوق‌الطایفه فروخته شده از انبار اشخاص بی‌مروت در همان حوزه حکومتی همدان با پول مبادله گردیده.

بنام خالق این مخلوق از حضرت استدعای جواب دارد. موقع را مغتنم شمرده از خداوند علی‌اعلی نجات ملک و ملت را مسئلت می‌نماید. ایام شوکت مستدام. تقی شیخ‌الرعایا
غرب

بکاغذهای سابق جواب [یافته] است. جوابی به این کاغذ بنویسید و خیلی اظهار مهربانی و تشویق نمائید و بوزارت مالیه هم در باب قیمت جنس بنویسید بحکومت هم در باب محتکرین بنویسید که با آنها مذاکره نمایند. آسایش مردم را بگردانند.
وزارت داخله

عموم تجار محترم خراسان

تلگراف شما راجع به تاخت و تاز اشراک فارس در حدود طبس و ترشیز و غیره ملاحظه و از اظهارات شما نهایت تعجب حاصل شد زیرا در صورتی که خود شما در مشهد بوده و دیده‌اید که اردویی مرکب از سوار و سرباز و توپ برای جلوگیری اشراک اعزام و علاوه از مرکز هم تلگرافات آکیده به حکومت یزد و کرمان و فارس صادر شده دیگر چرا باید عنوان تحصن را پیش آورده بعضی اظهارات بنمائید. یقین بدانید که اولیای دولت دقیقه از نظم مملکتی و آسایش اهالی غفلت نکرده و حصول این مقصود را اهم و اقدام بر تمام مطالب میدانند البته با وصول این تلگراف با کمال اطمینان از تلگرافخانه خارج و نتیجه اقدامات را در آسایش خودتان منتظر

باشید.

۱۱ شهر صفرالمظفر ۱۳۲۸
انجمن بلدیة طهران

حکومت جلیله دارالخلافه

تعلیقہ نمبر ۲۵۸۸ درخصوص اصلاح امر نان شهر شرف وصول بخشید مقدار مذاکرات لازمه انجمن‌هایی تفصیل رای دادند. املاء حکومت جلیله چند نفر مأمور بفرستند از فردا در میدان گندمی را که وارد می‌شود به قیمت عادلانه فقط به نانواهاییکه گندم ندارند بفروشند و مادامیکه آنها احتیاج دارند به سایرین و به نانواهاییکه گندم دارند بفروشند. ثانیاً از امروز مفتشین حکومت و بلدی و نظمیہ صورت صحیحی از گندم موجودی شهر برداشته و راپورت میدهند. ثالثاً اعلان ذیل را حکومت جلیله امضاء و همین امروز منتشر بفرمائید.

چون بلدیة مکلف است که تدارک نان شهر را عجالتاً تا سر خرمن بنماید و باید بدانند که جنس موجودی در شهر و اطراف چه قدر است. لهذا به عموم گندمداران اخطار می‌نماید که هرکس بیش از سه خروار گندم داشته باشد باید به بلدیة خیر دهد که چقدر گندم دارد و علاوه بر آن خبر بدهد که برای فروش آن به قیمت عادلانه حاضر است والا اگر کسی خبر نداد که چقدر گندم دارد و یا از فروختن گندم به قیمت عادلانه امتناع نمود از روی تحقیق و تفتیشی حکومت و بلدی و نظمیة خرواری یک تومان در ماه اول از او گرفته خواهد شد.

امین‌الدوله
امضاء

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

مقام منبع وزارت جلیله داخله دامت شوکة

مدتی است که سارقین فارس راه شیراز و بندرعباس و کرمان و یزد را میدان تاخت و تاز خود قرار داده و دهات را چایبیده و زنها را داغ کرده، برادران ما را کشته، اموال تجار را به سرقت می‌برند، پس از تظلمات زیاد آقای سردار جنگ حکمران یزد سارقین را دستگیر، اموال سرقت شده خاک یزد را مسترد داشته کمال

تشکر را داریم با اطمینان آنکه [قلع مال] شده مال‌التجاره کلی از یزد خواستیم، قوافل پی در پی آمده در طبس از ترس سارقین توقیف است با وجود آنکه دو ماه قبل ایالت کرمان رسماً به طهران و ایالت خراسان تلگرافی از حرکت سارقین به سمت خراسان اطلاع داده جلوگیری فرمائید. افسوس که از تسامح اولیای امور بر تجری سارقین افزوده اطراف طبس و ترشیز و تون و غیاد را پامال کردند. آنچه کردند که هنوز ناله‌های زندهای داغ شده فضای ایران را پر کرده بموجب خبر اخیر طبس محصور و تمام اشتر حملان را برده‌اند باز هم اگر جلوگیری نشود خوف است طبس الی مشهد را بچاپند چگونه سزاوار است تجارت که روح مملکت است بکلی از ناامنی طرق و شوارع مختل نماند و عبور و مرور زوار و غیره بکلی قطع شود و اولیای امور با وجود اطلاعات کامله قبل از وقوع اقدامی بفرمائید لهذا ناچار شده تمام حجرات خود را بسته در تلگرافخانه متحصنین، مادامیکه قلع و قمع کلیه سارقین نشود نمی‌توانیم مشغول امورات تجارتنی خود بشویم. تمام دارائی‌مان در بیابان، بروات‌مان معوق، استدعای عاجزانه دعاگویان آنکه حکم تلگرافی به ایالت فارس و کرمان و حکمران یزد و ایالت خراسان شرف صدور یابد که سارقین را دوره کرده اموال را مسترد و سر آنها را از سر رعایای مظلوم کوتاه فرمائید. مادامیکه تأمین واقعی حاصل نشود اطمینان به حمل و نقل یک شاهی مال‌التجاره نداریم. اقدامات قولی رفع اشراک را نکرده و نخواهد کرد. منتظر اقدامات فعلی هستیم. عموم تجار متحصن تلگرافخانه.

محمدتقی، عبدالخالق، محمدشرف، حسین هاشم‌پور.

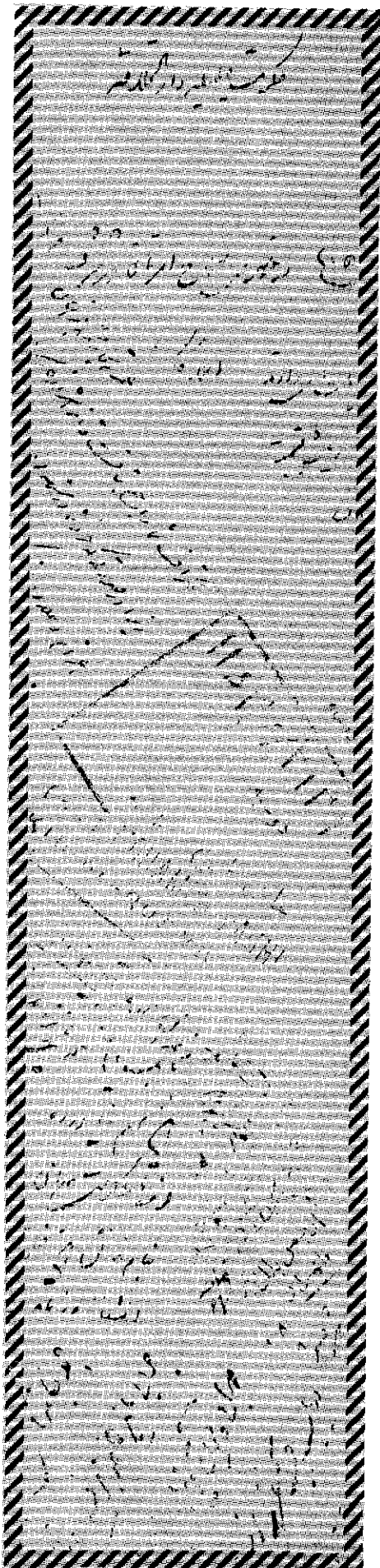
مجلس مقدس - وزارت جلیله جنگ - جریده ایران نو.

✽ پانویسها:

۱- برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: مجدالملک سنیکی، رساله مجدیه، تصحیح سعید نفیسی، (تهران، ۱۳۲۱ خورشیدی)، ص: ۶۱؛ محمدعلی سیاح محلاتی، خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت، کوشش حمید سیاح،

- (تهران، ۱۳۴۶ خورشیدی)، ص: ۲۲۶.
- ۲- نگاه کنید به: حاج سیاح، خاطرات حاج سیاح، ص: ۵۴۸؛ سرجان ملکم، تاریخ ایران، ترجمه میرزای حیرت، (تهران، ۱۳۴۶ خورشیدی)، ج ۲، ص: ۲۲۷-۲۲۶؛ مهدیقلی خان هدایت، خاطرات و خطرات، (تهران، ۱۳۲۹ خورشیدی)، ص: ۸۱-۸۰؛ ناظم‌الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، کوشش علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، (تهران، ۲۲۶۲ خورشیدی) بخش اول، ص: ۲۵۶-۲۵۵
- ۳- فریدون آدمیت و هانا ناطق، افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار، (تهران، ۱۳۵۶ خورشیدی)، ص: ۳۱۱-۳۱۲.
- ۴- کتاب آبی: گزارشهای محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس درباره انقلاب مشروطه ایران، به کوشش احمد بشیری، (تهران، ۱۳۶۳ خورشیدی)، ج ۱، ص: ۴۹.
- ۵- همان جا، ج ۱، ص: ۴۴.
- ۶- برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: کتاب نارنجی: گزارشهای سیاسی وزارت خارجه روسیه تزاری درباره انقلاب مشروطه ایران، به کوشش احمد بشیری، (تهران، ۱۳۶۶ خورشیدی)، ص: ۹۸، ۱۴۶-۱۳۷.
- ۷- محمدعلی سیاح محلاتی، خاطرات حاجی سیاح یا دوره خوف و وحشت، به کوشش حمید سیاح، تصحیح سیف‌الله گلکار، (تهران، ۱۳۵۷ خورشیدی)، ص: ۵۶۹.
- ۸- کتاب آبی، ج ۱، ص: ۱۳۲.
- ۹- همان جا، ج ۱، ص: ۹۰، ۱۳۲، ۶۹.
- ۱۰- ایوان الکسیویچ زنیوف، انقلاب مشروطیت ایران، نظرات یک دیپلمات روس - حوادث ایران در سالهای ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۱، ترجمه ابوالقاسم اعتصامی، (تهران، ۱۳۲۶ خورشیدی)، ص: ۱۰۵.
- ۱۱- همان جا، ص: ۱۳۳.
- ۱۲- کتاب آبی، ج ۱، ص: ۹۱؛ در همین مورد نگاه کنید به همان جا، ص: ۱۱۳.
- ۱۳- همان جا، ج ۱، ص: ۱۳۰.
- ۱۴- همان جا، ج ۲، ص: ۶۰۴.
- ۱۵- برای آگاهی بیشتر از این گزارشها نگاه کنید به: کتاب آبی، ج ۲، ص: ۴۱۳؛ همان جا، ج ۱، ص: ۱۵۷، ۲۸۴-۲۸۲، ۸۳، ۹۵، ۱۱۱، ۵۵، ۸۲، ۶۵؛ همان جا، ج ۴، ص: ۸۷۸، ۸۸۱، ۸۹۲، ۹۰۰، ۹۳۵، ۹۴۸، ۹۶۱؛ همان جا، ج ۶، ص: ۱۳۴۰، ۱۳۴۲؛ همان جا، ج ۵، ص: ۱۲۲۳.
- ۱۶- همان جا، ج ۴، ص: ۸۷۲.
- ۱۷- همان جا، ص: ۸۷۶.
- ۱۸- همان جا، ج ۲، ص: ۶۶۱-۶۶۰؛ در همین مورد
- گزارش از ناسمنی و وضعیت ناساعد جاده مشهد- قوچان و ناتوانی رئیس‌التجار (صاحب امتیاز راه) در اداره و رسیدگی به آن دیده می‌شود. (کتاب نارنجی، ص: ۱۲۴).
- ۱۹- کتاب آبی، ج ۳، ص: ۶۶۳.
- ۲۰- نگاه کنید به همان جا، ج ۳، ص: ۵۷۸؛ همان جا، ج ۴، ص: ۸۷۷-۸۷۶.
- ۲۱- نگاه کنید به: مورگان شوستر، اختناق ایران، ترجمه ابوالحسن موسوی شوشتری، تصحیح و حواشی فرامرز برزگر- اسماعیل رابین، (تهران، بی‌تا)، ص: ۵۶-۵۳.
- ۲۲- کتاب آبی، ج ۲، ص: ۴۰۰.
- ۲۳- همان جا، ج ۱، ص: ۵۵.
- ۲۴- «تلگراف به نایب‌السلطنه»، ۱۳۳۰ قمری، پاکت شماره: ۳۱۸ (وزارت کشور)، سازمان اسناد ملی.
- ۲۵- «تلگراف تجار خراسان به وزارت داخله»، ۲۰ ثور ۱۳۲۸-۱۲۰۲۰، پاکت شماره: ۶۱۳ (وزارت کشور)، سازمان اسناد ملی.
- ۲۶- «تلگراف وزارت داخله به عموم تجار خراسان»، ۲۵ ثور ۱۳۲۸-۱۲۰۲۰، پاکت شماره: ۶۱۳ (وزارت کشور)، مرکز اسناد ملی.
- ۲۷- کتاب آبی، ج ۶، ص: ۱۴۴۸.
- ۲۸- زنیوف، انقلاب مشروطیت، ص: ۱۰۵.
- ۲۹- نگاه کنید به: کتاب آبی، ج ۴، ص: ۸۶۷.
- ۳۰- نگاه کنید به: شوستر، اختناق ایران، ص: ۲۵۰.
- ۳۱- نگاه کنید به: کتاب آبی، ج ۱، ص: ۴۰.
- ۳۲- روزنامه صوراسرافیل، ۸ جمادی الاول ۱۳۲۵، ش: ۴، ص: ۴.
- ۳۳- کتاب نارنجی، ج ۲، ص: ۱۶۵-۱۶۴.
- ۳۴- کتاب آبی، ج ۱، ص: ۷۱، ۶۵.
- ۳۵- شوستر، اختناق ایران، ص: ۱۵.
- ۳۶- [بی‌نام]، کشف تلپیس، دورویی و نیرنگ انگلیس، (برلین، ۱۳۳۶ خورشیدی)، ص: ۷-۶؛ شوستر، اختناق ایران، ص: ۵۶.
- ۳۷- برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: کتاب آبی، ج ۴، ص: ۸۲۶؛ حسن تقی‌زاده، زندگی طوفانی (خاطرات سیدحسن تقی‌زاده)، به کوشش ایرج افشار، (تهران، ۱۳۶۷ خورشیدی)، ص: ۶۲؛ کسروی، تاریخ مشروطه، ص: ۱۷۹، ۱۷۶.
- ۳۸- برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: کشف تلپیس، ص: ۱۶-۱۲؛ محمدتقی (ملک‌الشعراء) بهار، تاریخ مختصر احزاب سیاسی (انقراض قاجاریه)، (تهران، ۱۳۲۳ خورشیدی)، ج ۱، ص: ۵-۳.
- ۳۹- تقی‌زاده، خاطرات تقی‌زاده، ص: ۶۲.
- ۴۰- نگاه کنید به: کتاب آبی، ج ۳، ص: ۶۹۹؛ کشف تلپیس، ص: ۲۸.
- ۴۱- ابراهیم صفایی، اسناد مشروطه، (تهران، ۱۳۲۸ ص: ۱۳-۱۲).
- ۴۲- نگاه کنید به: شوستر، اختناق ایران، ص: ۱۵، ۲۰۵، ۲۰۲.
- ۴۳- برای آگاهی بیشتر از شیوه مالیات‌گیری و اوضاع مالیه ایران در این سالها نگاه کنید به: همان جا، ص: ۱۲ و ۱۵-۱۰۴؛ همچنین نگاه کنید به: محمدحسین احمدی، تاریخ تطور سیستم مالیاتی در دوران شاهنشاهی ایران، (تهران، ۱۳۵۰ خورشیدی)، ص: ۱۰۸، ۱۲۴-۱۱۲.
- ۴۴- نگاه کنید به: صفایی، اسناد مشروطه، ص: ۱۳-۱۲، ۹۰-۹۱.
- ۴۵- کتاب آبی، ج ۱، ص: ۶۷.
- ۴۶- برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: جمالزاده، گنج شایگان، (برلین، بی‌تا)، ص: ۱۰۰؛ برای آگاهیهای در مورد طرح صنایع‌الدوله نگاه کنید به: کتاب نارنجی، ج ۱، ص: ۱۲۰-۱۱۹؛ مهدی‌قلیخان هدایت (مخبرالسلطنه)، طلوع مشروطیت، به کوشش امیر اسماعیلی، (تهران، ۱۳۶۳ خورشیدی)، ص: ۱۱۷-۱۱۴.
- ۴۷- کتاب نارنجی، ج ۱، ص: ۱۳۸-۱۳۷.
- ۴۸- نگاه کنید به: کشف تلپیس، ص: ۱۶-۱۲.
- ۴۹- نگاه کنید به: کتاب نارنجی، ج ۲، ص: ۱۹۱؛ شوستر، اختناق ایران، ص: ۲۰۵-۲۰۲.
- ۵۰- شوستر، اختناق ایران، ص: ۴۹؛ همین‌طور برای آگاهی بیشتر از مالیه ایران نگاه کنید به: «مذاکرات مجلس»، روزنامه رعد، ۲۱ ربیع‌الثانی ۱۳۳۳، ش: ۸۲، ص: ۱؛ در مورد اخراج شوستر نگاه کنید به: کشف تلپیس، ص: ۳۰-۲۹.
- ۵۱- نگاه کنید به: کتاب آبی، ج ۱، ص: ۵۳؛ کشف تلپیس، ص: ۱۳.
- ۵۲- نگاه کنید به: کتاب نارنجی، ج ۲، ص: ۱۹۱.
- ۵۳- شوستر، اختناق ایران، ص: ۵۶-۵۳.
- ۵۴- برای آگاهیهای بیشتر نگاه کنید به: کتاب نارنجی، ج ۲، ص: ۱۴۲ و ۱۵۵؛ شوستر، اختناق ایران، ص: ۱۶۸، ۱۷۱، ۱۸۳، ۱۸۶.
- ۵۵- شوستر، اختناق ایران، ص: ۱۷۴.
- ۵۶- کتاب آبی، ج ۴، ص: ۸۷۷-۸۷۶.
- ۵۷- «نامه حاجی شیخ‌محمدتقی وکیل‌الرعايا از همدان به عین‌الدوله وزیر داخله»، ۱۵ ربیع‌الاول ۱۳۳۱-۱۳۰۱۲، پاکت شماره: ۲۰۷ (وزارت کشور)، سازمان اسناد ملی.





- ۵۸- «تلگراف [حاکم] شهر همدان به طهران»، ۲۹ دلو ۱۳۱ قمری، ۱-۱۲۰۱۲، پاکت شماره: ۳۰۷ (وزارت کشور)، ازمان اسناد ملی.
- ۵۹- کتاب آبی، ج ۱، ص: ۵۳.
- ۶۰- «نامه حاج شیخ محمدتقی و کیل الرعايا از همدان به بن الدوله وزیر داخله»، ۱۵ ربیع الاول ۱۳۳۱، ۱-۱۲۰۱۲، کت شماره: ۳۰۷ (وزارت کشور)، سازمان اسناد ملی.
- ۶۱- در این مورد نگاه کنید به: «نامه وزرات مالیه به زارت داخله»، ۱۱ حوت ۱۳۳۱ قمری، ۱-۱۲۰۱۲، الیوم حاره: ۳۰۷ (وزارت کشور)، سازمان اسناد ملی؛ همچنین نگاه کنید به: همان جا، «تلگراف وزارت داخله به وزارت الیه»، ۲۷ ربیع الاول ۱۳۳۱.
- ۶۲- همان جا، «نامه وزارت داخله به حکومت همدان»، ۲ بیع الثانی ۱۳۳۱.
- ۶۳- همان جا، «نامه وزارت داخله به حکومت همدان»، ۱۲ ربیع الثانی ۱۳۳۱؛ همان جا، «تلگراف مظفرالملک ز همدان به طهران»، ۲ محرم ۱۳۳۱.
- ۶۴- «اعلان حکومت دار الخلافه طهران»، ۱۱ صفر ۱۳۲۷، الیوم شماره: ۶۴۲ (وزارت کشور)، سازمان اسناد ملی.
- ۶۵- در این مورد نگاه کنید به: «نامه خباز خانه طهران به حکومت دار الخلافه طهران»، ۱۹ ربیع الاول ۱۳۳۲، الیوم شماره: ۷۵۱ (وزارت کشور)، سازمان اسناد ملی؛ همان جا، «نامه وزارت داخله به حکومت دار الخلافه طهران»، ۱۷ صفر ۱۳۳۱.
- ۶۶- «تلگرافی از همدان به عین الدوله وزیر داخله»، ۱۲ صفر ۱۳۳۱، الیوم شماره: ۳۰۷ (وزارت کشور)، سازمان اسناد ملی؛ همچنین نگاه کنید به: «نامه اداره خباز خانه طهران به حکومت دار الخلافه»، ۲۷ ربیع الاول ۱۳۳۲، الیوم شماره: ۷۵۱ (وزارت کشور)، سازمان اسناد ملی.
- ۶۷- «تلگراف از همدان به عین الدوله وزیر داخله»، ۱۹ صفر ۱۳۳۱، الیوم شماره: ۳۰۷ (وزارت کشور)، سازمان اسناد ملی.
- ۶۸- «نامه اداره خباز خانه طهران به حکومت دار الخلافه»، ۲۰ ربیع الاول ۱۳۳۲، الیوم شماره: ۷۵۱ (وزارت کشور)، سازمان اسناد ملی.
- ۶۹- در مورد مصوبات دوره اول قانونگذاری نگاه کنید به: مجلس (انتشارات)، مجموعه مصوبات مجلس شورای ملی در چهار دوره تقنینیه، (تهران، بی تا).
- ۷۰- ناظم الاسلام، تاریخ بیداری ایرانیان، بخش اول، ص: ۶۰۲.
- ۷۱- زهرا شجیعی، نمایندگان مجلس شورای ملی در بیست و یک دوره قانونگذاری، (تهران، ۱۳۴۴ خورشیدی)، ص: ۱۰۸ (جدول شماره: ۴).
- ۷۲- کسروی اسامی نمایندگان تجار در مجلس اول را بدین صورت نام می برد:
- حاجی حسین آقا امین الضربیه، حاجی سیدمرتضی مرتضوی، حاجی محمد اسمعیل مفازیه، حاجی معین التجار بوشهری، میرزا محمود اسپهانی، حاجی محمدعلی شالفروش، حاجی محمدتقی شاهرودی و شوق الدوله، محقق الدوله، مخیرالملک.
- از پیشه واران: میرزا محمود کتابفروش، حاجی میرزا ابراهیم خیاط باشی، حاجی سید ابراهیم حریرفروش، شیخ حسین سقط فروش، حاجی محمد ابراهیم وارث، ملا حسن وارث، حاجی محمدتقی بنکدار، دکتر سیدولی الله خان، امین التجار کردستانی، حاجی سید آقا تیرفروش، حاجی میرزا احمد زرگریاشی، حاجی شیخ اسماعیل بلورفروش، مشهدی باقر بقال، شیخ حسن علاقه بند، استاد حسن معمار، سید حسن بروجردی، شیخ حسین علی، آقا حسین قلی، حاجی عباسعلی، حاجی عبدالوهاب، حاجی علی اکبریلویز، استاد غلام رضا یخدان ساز، حاجی سید محمد ساعت ساز، حاجی سید محمد باقر، سید محمدتقی هراتی، سید مصطفی سمسار، سید مهدی دلال، (کسروی، تاریخ مشروطه، ص: ۱۶۸).
- ۷۳- در این مورد نگاه کنید به: کشف تلبیس، ص: ۹؛ شوستر، اختناق ایران، ص: ۷۸.
- ۷۴- برای آگاهیهای بیشتر نگاه کنید به: کسروی، تاریخ مشروطه، ص: ۱۷۷؛ در همین مورد نگاه کنید به شوستر، اختناق ایران، ص: ۲۷-۲۳.
- ۷۵- مصوبات مجلس، ص: ۹.
- ۷۶- همان جا، ص: ۲۰.
- ۷۷- همان جا، ص: ۱۰۱.
- ۷۸- همان جا، ص: ۲۴۳.
- ۷۹- همان جا، ص: ۳۰.
- ۸۰- همان جا، ص: ۲۲.
- ۸۱- کتاب آبی، ج ۱، ص: ۹۸.
- ۸۲- شجیعی، نمایندگان مجلس، ص: ۱۳۶.
- ۸۳- همان جا، ص: ۱۸۰ (جدول شماره: ۴).
- ۸۴- در این مورد نگاه کنید به: مصوبات مجلس، ص: ۴۹۴-۵۰۶.
- ۸۵- همان جا، ص: ۳۴۷-۳۴۶.
- ۸۶- همان جا، ص: ۴۷۵-۴۷۳.
- ۸۷- همان جا، ص: ۴۸۷-۴۸۰-۴۷۹.

